

## گذار از جمهوری اسلامی – چگونه؟

جستارگشایی

شعارهایی نظیر «زن، زندگی، آزادی»، «حجاب بهانه است، اصل نظام نشانه است»، «جمهوری اسلامی، نمیخوایم، نمیخوایم» و «این دیگه اعتراض نیست، شروع انقلابه» نشان می‌دهند که مردم عزم خود را جزم کرده‌اند که از جمهوری اسلامی گذار کنند. چگونه می‌توان از جمهوری اسلامی گذار کرد؟



جمهوری اسلامی یک رژیم فاشیستی و تمامیت‌خواه است. برای بقای خود دست به هر جنایتی می‌زند. برای سرنگونی حکومت اسلامی باید ببینیم نیروهای ما در کجاست و چگونه می‌توانیم این نیروها را هم‌جهت کنیم؟ یک نیروی مادی را باید یک نیروی مادی قوی‌تر و منسجم‌تر از میدان بیرون کند. چگونه ما می‌توانیم قوی‌تر از حکومت اسلامی شویم؟

جامعه‌شناسی کلاسیک لازمه انقلاب‌های پیروزمند را داشتن اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و دراز مدت روشن (استراتژی و تاکتیک‌ها)، سازماندهی و داشتن تشکیلات، رهبری و پیگیری و خستگی‌ناپذیری توده‌ها می‌داند. آیا انقلاب در دوران معاصر ویژگی دیگر دارد؟ آیا رسانه‌های اجتماعی مدرن ما را از این لازمه‌های انقلاب بی‌نیاز می‌کنند؟

## سرچشمه‌ی نیروهای ما

جمهوری اسلامی در بیش از چهار دهه یکی از بی‌کفایت‌ترین، خشن‌ترین، فاسدترین، تبعیض‌آمیزترین و جنگ‌طلب‌ترین حکومت‌های معاصر را به نمایش گذاشت.

علیرغم تلاش مذبحانه رژیم ایدئولوژیک، سانسور بی حد و حصر و اخراج دگراندیشان از محیط آموزشی و کار، آگاه‌ترین جوانان و کارگران و کارکنان متولد پس از انقلاب بهمن در ایران پرورش یافتند. رژیم با سینما، موسیقی، نقاشی، مجسمه‌سازی، ادبیات، هنر و دانش به ویژه علوم انسانی و اجتماعی سرستیز دارد. اما نسلی آگاه و فرهیخته در ایران پرورش یافت. جوانان، زنان و اکثریت ایرانیان فرهنگ حکومت اسلامی را نمی‌خواهند.

علیرغم تبعیض همه‌جانبه نسبت به زنان از خانه تا سپهر اجتماعی، زنان ما آگاه و مصمم و الهامبخش علیه تبعیض و قوانین شرعی قرون وسطایی مبارزه می‌کنند. علیرغم سنگ‌اندازی و تبعیض حکومت اسلامی دختران دانشجوی ما بیشتر و بهتر از پسران در محیط‌های آموزش عالی هستند. زنان و اکثریت ایرانیان تبعیض جنسیتی حکومت اسلامی را بر نمی‌تابند.

حکومت اسلامی صنعت، کشاورزی، دامداری و طبیعت ایران را نابود کرده است. گرانی و فقر بیداد می‌کند. مبارزه معلمان و بازنشستگان نتیجه ملموسی نداد. سرمایه‌های کشور خرج جنگ‌های نیابتی و توسعه خرافات می‌شود. مردم ایران کار و درآمد، اقتصاد و معیشتی در خور کرامت انسانی می‌خواهند.

در استان‌هایی مثل سیستان و بلوچستان، خوزستان و کردستان بیکاری بیداد می‌کند. مردم از اصلی‌ترین احتیاجات زندگی چون آب آشامیدنی، مدارس و بیمارستان محروم هستند. رژیم خواست‌های برحق این عزیزان را با سرکوب و اعدام پاسخ می‌دهد و به آنها اتهامات بی‌اساس می‌زند. مردم ما در سراسر کشور فریاد زدند که سیستان و بلوچستان، خوزستان و کردستان چشم و چراغ مردم ایران هستند. مردم ما با همبستگی ملی کنار این عزیزان برای از میان برداشتن تبعیض حاشیه و مرکز و نیل به حقوق شهروندی، کرامت، رفاه سربلندی ایستاده‌اند.

جهان از قرون وسطی گذر کرد. مردم آزادی می‌خواهند و به فردیت، کرامت انسانی و حقوق بشر و شهروندی ارجح می‌نهند. نسل جوان می‌خواهد در این جهان بهم پیوسته، شهروند جهان و در صف گردان سترگ صلح و دوستی بین‌المللی باشد. بتواند آزادانه و سرفراز به هر کجا می‌خواهد سفر کند، تحصیل کند و یا کار کند. آزاد باشد و با رسانه‌های اجتماعی با دوستان و مردم جهان ارتباط داشته باشد. برای لباس و بدن خود خودش تصمیم بگیرد. نسلی با شور زندگی که با تجرب، زندگی‌گریزی و شادی‌ستیزی احمد جنتی‌ها، علی خامنه‌ای‌ها و ابراهیم رئیسی‌ها سرآشتی ندارد. بر این نسل آگاه و پرشور نمی‌توان با الگوی خلفای راشدین و ولایت مطلقه فقیه تمامیت‌خواه حکومت کرد.

این‌ها سرچشمه‌های پویا و پرشور نیروهای مردم برای براندازی است. وجود این نیروها به خودی خود باعث سرنگونی رژیم تمامیت‌خواه نمی‌شود. تاریخ هیچ انقلابی را نشان نمی‌دهد که بدون برنامه، سازماندهی، رهبری، استراتژی، تاکتیک، لژستیک، تداوم و خستگی‌ناپذیری، اراده‌ی تسخیر قدرت، جایگزین روشن، تبلیغات گسترده، انزوای دشمن و اقناع توده‌ها پیروز شده باشد. در عوض در تحلیل شکست خیزش‌ها کمبود یک یا چند از این مولفه‌های انقلاب را می‌بینیم.

## برنامه

وقتی می‌خواهیم به شهری دیگر سفر کنیم، شاید دقیق ندانیم در راه از پنجره ماشین یا قطار چه می‌بینیم، ولی مقصد روشن است. در انقلاب شاید ندانیم تا سرنگونی چه اتفاقات می‌افتد، ولی مقصد باید روشن باشد.

اهداف اصلی انقلاب و هدف نهایی انقلاب برای جلب حمایت عموم مردم و منسجم کردن صف ائتلاف ضد رژیم تعیین کننده است. آینده‌ی روشن همه‌ی نیروهای فعال در جبهه‌ی گسترده ائتلاف ضدفاشیستی باید تضمین شود.

در انقلاب ایران دموکراسی، حقوق بشر، آزادی، سکولاریسم، رفع تبعیض جنسیتی و اتنیکی، حل قهر پرهیز مناقشات را باید بهم قول بدهیم و یا زیر سندی مشترک امضا کنیم.

## سازماندهی

مردم باید سازماندهی شوند. یک انقلاب سازمان یافته شانس بیشتری برای پیروزی دارد. انقلاب باید سازماندهی شود. سازماندهی بسیار منسجمی لازم است تا بر سیستمی فاشیستی غلبه کنیم.

تظاهرات پی‌درپی و بی‌وقفه لازم است ولی برای تسخیر قدرت کافی نیست. رهبری یا ستاد فرماندهی باید شکل بگیرد و سازماندهی را هماهنگ کند. در این مبارزه مرگ و زندگی با حکومت تمامیت‌خواه دو سطح سازماندهی نیاز داریم. در ابتدا باید طرفداران انقلاب یعنی احزاب سیاسی سازماندهی شوند. بعد انقلابیون باید توده‌ها را سازماندهی کنند.

یک توده سازمان یافته نیروی قدرتمندی است که شکست دادن آن بسیار دشوار است. ماشین‌های سرکوبگر نمی‌توانند در برابر قدرت یک انقلاب سازمان‌یافته‌ی میلیونی مقاومت کنند.

با شرایط ایران سازماندهی باید ویژگی‌های زیر را داشته باشد:

- خودسازماندهی خودجوش واحدهای کوچک شکل بگیرد.
- سازمان‌های کوچک غیرمتمرکز در سراسر کشور تشکیل شود.
- رهبری فعالیت‌های این سازمان‌های کوچک غیرمتمرکز را هماهنگ می‌کند.

انقلاب باید از واحدهای کوچک تشکیل شود که بتوانند خود را سازمان دهند. واحدهای کوچکتر در انجام وظایف انقلابی خود چابک و زیرک هستند. این ساختارهای کوچک متعدد باید باهم هماهنگ شوند تا یک سازمان عظیم و قدرتمند را تشکیل دهند. این تنها راه شکست نیروهای سازمان یافته‌ی ستمگر است.

## رهبری

انقلاب به رهبری نیاز دارد. بی شک دوران مدرن رهبری تراز نوین را طلب می‌کند. معایب رهبری‌های کلاسیک که تغییرات کلان مثبت و یا منفی را رقم زدند، دلیل بر رد لزوم رهبری نیست، بلکه نگاه نو به رهبری و سازوکاری برای عدم تکرار جنبه‌ها منفی را در دستور کار ما قرار می‌دهد.

رهبری نوین ترکیب نادر شجاعت، هوشمندی، واکنش سریع و شنوایی قوی است.

رهبری نوین ترکیب همزمان هدایت کردن و پیروی کردن است: هدایت کردن جمع و پیروی کردن از نظر جمع.

رهبری نوین اراده معطوف به پیروزی و تسخیر قدرت است با روش‌های قهرپرهیز و پایان دادن به قهر تاریخی در جامعه.

رهبری نوین آموزش، پرورش و راهنمایی است نه صدور دستور و فرمان.

رهبری نوین دانستن دقیق چگونه و چه زمانی باید قدرت، اختیار و مسئولیت به دیگران واگذار کردن، است.

رهبری نوین ریاست و تحکم نمی‌کند بلکه جذب می‌کند و هم‌دوش کنشگران میدانی می‌رزد.

رهبری نوین نمی‌درخشد، بلکه بازتاب می‌کند. ماهی است که خورشید مردم را بازتاب می‌کند.

رهبری، هنر تأثیرگذاری است. توانایی ایجاد انگیزه، الهام بخشیدن و ترغیب افراد برای پیروز کردن انقلاب است.

رهبری نوین جمعی است تا وسیع‌ترین توده‌ها را نمایندگی کند و اعضا رهبری یکدیگر را تکمیل کنند.

رهبری نوین زمانمند است. هیچ رهبری تا پایان زندگی قابل پذیرش نیست.

رهبری نوین برای مهارتش در رهبری انتخاب می‌شود تا بخاطر وابستگی خانوادگی، یا تعلق مذهبی و یا طبقاتی.

در شرایط ویژه اکنون ایران رهبری باید جمعی باشد، نیروی داخل، خارج، زنان، جوانان و اتنیک‌ها نمایندگی کند.

یکی از گفتمان‌های مردم‌فریبانه و انحلال‌طلبانه این روزها، مطرح کردن «جنبش رهبری خود را خودش انتخاب

می‌کند» است. تلاش بر قطع رابطه مبارزان پیشین و امروز، داخل و خارج از کشور است. این واگذاری رهبری به

نیروی ناشناخته و مبهم از شکل‌گیری رهبری رزمجو، مطرح و زبان‌گویای جنبش سراسری محروم می‌کند. یکی از

اصلی‌ترین عمل مقبولیت این پیشنهاد مردم‌فریب و مبهم سختی شکل دادن یک ستاد رهبری رزمجو و فراگیر

است. رهبری باید افراد واقعی باشند و با چالش‌های کلان روز، روزانه روبرو شوند و راه حل بیابند. رهبری باید

جنبش را در سخت‌ترین شرایط به پیروزی رهنمون کند. رهبری همیشه لازم است، به ویژه در زمان‌های پر تلاطم

امروز. انکار رهبری، در عمل دست کم گرفتن دشمن و نادیده گرفتن پیچیدگی انقلاب و نیاز نیروی هم‌جهت همه‌ی نیروها است.

مردم از شخصیت‌ها و تشکل‌های سیاسی درخواستِ ایجاد یک نهاد رهبری دارند. رهبری در جنبش ایران باید نهادی فراگیر باشد که از وابستگی به فرد و گروه جلوگیری کند و به فراگیری جنبش کنونی آسیب نرساند. اعتبار سازی و اعتمادسازی یکی از بزرگترین چالش‌های رهبری خواهد بود.

رهبری و سازماندهی یکی از اصلی‌ترین تضمین‌های عدم خلاء قدرت پس از سرنگونی و لازمه احیای قدرت دموکراتیک پسا حکومت اسلامی است.

## استراتژی

رهبری باید روش کلی رسیدن به هدف اصلی جنبش که سرنگونی رژیم است را روشن بیان کند. شیوه‌ی بهره‌گیری از امکان‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، تبلیغی، روانی و نظامی سرنگونی را ترسیم کند.

## تاکتیک

رهبری باید دید روشنی داشته باشد که هدف کلی سرنگونی رژیم از چه مراحل می‌گذرد. رهبری باید با تماس دائمی با رهبران میدانی و جمع‌بندی و هم‌رسانی نظرات و تجارب آنها تاکتیک‌های جنبش را به‌روز کند. برای سرنگونی رژیم باید ریزش هواداران، انزوای بین‌المللی، جلب حمایت توده‌ها، هماهنگی و حمایت تشکل‌های صنفی، مدنی و محیط زیست از جنبش عملی شود. رهبری باید تاکتیک‌های نیل این اهداف را روشن کند.

## لژستیک

داشتن استراتژی و تاکتیک به تنهایی کافی نیست. باید برای اجرای استراتژی و تاکتیک لژستیک لازم تامین شود.

مبارزه با رژیم فاشیستی یک جنگ تمام عیار است. ابزارهای مبارزه، خدمات، پول و جریان اطلاعات در در سرتاسر کشور باید در یک زنجیره تحت رهبری تأمین و مدیریت شود.

چگونه با قطع اینترنت باید مقابله کرد؟ چگونه رهبران میدانی که مجبور به زندگی مخفی می‌شوند را کمک کنیم؟ چگونه به دستگیرشدگان کمک کنیم؟ تبلیغات در داخل برای آگاهی رسانی و اقناع توده‌ها و در خارج برای انزوای کامل رژیم چگونه تقویت شود؟ چگونه برای جنبش امکانات مالی و تدارکات تامین شود؟ همه‌ی این پرسش‌ها و صدها پرسش لژستیکی دیگر باید با یک رهبری جمعی، متمرکز و چابک پاسخ مناسب پیدا کند.

## تداوم و خستگی‌ناپذیری

زمان سرنگونی قابل پیش‌بینی نیست. امکان طولانی شدن مبارزه وجود دارد. اما لازمه سرنگونی تداوم و خستگی‌ناپذیری جنبش است. یکی از اصلی‌ترین وظیفه رهبری الهام‌دهی و امیدبخشی است.

## تبلیغات

دشمن زرادخانه دروغ، تحریف و تهمت گسترده دارد. تبلیغ، ترویج، افشاگری و هم‌رسانی دستاوردهای مبارزه میدانی یکی از عمده‌ترین وظیفه رهبری است.

## انزوای دشمن

دشمن باید هم در داخل و هم در سطح بین‌المللی افشا و منزوی شود.

عفو عمومی و امنیت آینده بدنه ارتش، سپاه و بسیج باید تضمین شود تا ریزش گسترده و رژیم در داخل منزوی شود. به همه‌ی نیروهای مسلح باید اطمینان داد که هیچ انتقامی در کار نیست. هدف سرنگونی رژیم و پایان قهر و خشونت در ایران عزیز ما است. آینده ایران به نیروی مسلح نیاز دارد، آنها هر چه زودتر به صفوف مردم بپیوندند، سرنگونی کم‌هزینه‌تر خواهد شد امنیت و آینده خانواده آنها مطمئن‌تر.

رژیم باید در سطح بین‌المللی افشا و منزوی شود. شکل‌گیری یک رهبری قدرتمند و اعلان ایرانی که به صلح و خلع سلاح اتمی جهانی تعلق خواهد داشت، این انزوا را تسهیل می‌کند.

## افتخار توده‌ها

نیرو محرکه‌ی انقلاب و صاحب انقلاب مردم هستند. رهبری باید پژواک صدای مردم باشد. به مردم گوش کن، به مردم گزارش دهد، مردم را به درستی مواضع و عملکرد خود قانع کند.

رهبری باید به توده‌ها ثابت کند که معترضان توان مسلط شدن بر کشور و اداره‌ی آن را دارند.

## اراده‌ی تسخیر قدرت

حکومت اسلامی در این چهل و اندی سال نشان داد که اصلاح‌پذیر نیست. اراده‌ی معطف به سرنگونی باید در سراسر جنبش، سازمان و رهبری آن جاری باشد.

برای تغییر سیاسی، داشتن تئوری و برنامه‌ی مبارزه کافی نیست و رهبری باید علاوه بر آن استراتژی و تکتیک‌های تسخیر خیابان و نهادهای قدرت را به روشنی تدوین کند و هیچ‌چیز به شانس، امید و مجریان مبهم و ناشناخته واگذار نکند.

## جایگزین روشن

هر چند اکنون باید تمام توان خود را بر تسخیر قدرت متمرکز کنیم و در گیر شدن و تفرقه درباره جزئیات نظام آینده ما را از مبرم‌ترین وظیفه کنونی یعنی سرنگونی رژیم باز می‌دارد، اما رهبری باید تصویر روشن از حکومت آتی، پایبندی آن به دموکراسی، آزادی، سکولاریسم، حقوق بشر، کرامت انسانی، رفاه عمومی و رفع هرگونه تبعیض جنسیتی، قومی و مذهبی، همزیستی مسالمت‌آمیز با کشورهای منطقه و جهان را تضمین کند. کثرت‌گرایی، رواداری و قهرپرهیزی امیدواری به آینده روشن را در میان مبارزان میدانی و مردم زنده می‌کند. تصویر دورنمای تشکیل دولت انتقالی و مجلس موسسان منتخب برای تدوین قانون اساسی جدید نیز مسیر آینده را روشن تر می‌کند.

## فشرده

سرنگونی خشونت‌پرهیز یک رژیم تمامیت‌خواه و فاشیست، بسیج گسترده و رهبری رزمجوی متمرکز و چابک می‌طلبد. دشمن متمرکز است و امکانات وسیع رسانه‌ای، کنترل، تبلیغ و سرکوب دارد. این نیروی مادی متمرکز، گستاخ و خشن را باید یک نیروی مادی متمرکز و قوی تر از آن، از میدان بدر کند. این نیروی قوی تر، همبستگی ملی توده‌های میلیونی میدانی با رهبری رزمجوی متمرکز و چابک مجهز به برنامه، سازمان، استراتژی، تاکتیک، لژستیک، تبلیغات، امید و الهام‌بخشی، اراده قاطع تسخیر قدرت، جایگزین روشن، انزوای دشمن و اقناع توده‌ها است.

از اینرو، مبرم‌ترین وظیفه جنبش اکنون سازمان دادن یک رهبری جمعی رزمجو و چابک مورد اعتماد توده‌های در میدان است.

احد قربانی دهناری

۱۶ مهر ۱۴۰۱ - ۸ اکتبر ۲۰۲۲

پ.ن. ۱. من از همه‌ی کنشگران سیاسی، اجتماعی، صنفی، و مدنی، خواهش می‌کنم با پرسش «گذار از جمهوری اسلامی - چگونه؟» بپردازند، تا ما با هم‌اندیشی به یک هم‌رایی برسیم.

پ.ن. ۲. بی‌شک هر کدام از این مولفه‌های لازم برای جنبش ما که در این مقاله نام برده شد، بحث مفصل و تحلیلی می‌طلبد. امیدوارم همه کمک کنیم تا این مولفه‌ها روشن تر شود.